

نقش اجتماعی زنان و مردان در داستان‌های واقعی کودکان

(تألیف شده طی سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۸۴)

دکتر رویا بارادر *

هیأت علمی دانشگاه الزهراء (س)

مجموعه شمسه

هیأت علمی دانشگاه الزهراء (س)

آزاده غیبی‌زاد

کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی

چکیده:

این پژوهش با هدف بررسی نقش‌های اجتماعی زنان و مردان و مقایسه نمود حضور اجتماعی آنها نسبت به یکدیگر، در داستان‌های واقعی کودکان انجام شد. جامعه آماری آن، کلیه داستان‌های واقعی تألیف شده برای گروه‌های سنی «الف»، «ب» و «ب و ج»، طی سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۸۴ به تعداد ۱۸۰ عنوان بود. پژوهش به روش تحلیل محتوا انجام شد. بر اساس یافته‌های پژوهش نقش‌های اجتماعی موجود، در پنج مقوله «خانواده»، «کارهای خانه»، «تحصیل»، «مشاغل»، و «فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی» دسته‌بندی شدند. هم‌چنین یافته‌های پژوهش نشان داد زنان بیشتر در دو مقوله «خانواده» و «کارهای خانه» و مردان در مقوله‌های «خانواده» و «مشاغل» حضور دارند. و تنوع نقش‌های اجتماعی مردان بیش از زنان است. بین نقش‌های اجتماعی زنان و مردان و واقعیت‌های اجتماعی هماهنگی وجود ندارد.

کلید واژه‌ها:

ادبیات کودکان، جامعه‌پذیری، داستان‌های واقعی، زنان، کودکان، مردان، نقش‌های اجتماعی

مقدمه

کودکان بخشی از جمعیت جوان هر کشور را تشکیل می‌دهند و نیازها، خواسته‌ها و حقوق مخصوص به خود را دارند. یکی از حقوق اساسی کودک که در ماده هفده پیمان جهانی حقوق کودک نیز بدان اشاره شده، دسترسی به اطلاعات مفید و مناسب است (پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک، (بی‌تا)، ص ۳). امروزه کودکان در دریایی از اطلاعات احاطه شده‌اند که از کانال‌های مختلفی چون والدین، آموزش‌های رسمی، کتاب‌ها، تلویزیون و سایر رسانه‌ها به آنها می‌رسد. کودک با دریافت این اطلاعات به تدریج با دنیای اطراف خود و مسائل مربوط به آن آشنا می‌شود و نسبت به آنها شناخت می‌یابد که در آینده بر ذهنیت و نگرش او نسبت به جهان پیرامون تأثیرگذار خواهد بود.

یکی از مراحل رشد کودک، فرآیند «اجتماعی شدن» یا «جامعه پذیری» است. منظور از جامعه پذیری «فرآیندی است که به واسطه آن اعضای یک جامعه، گروه یا خرده گروه کلیه ارزش‌ها، اعتقادات و هنجارهای آن جامعه را فرا می‌گیرند تا به صورت انسانی اجتماعی درآیند.» (مطیع، ۱۳۷۴، ص ۲۵). عوامل بسیاری بر جامعه پذیری کودکان مؤثر است: مانند والدین، رسانه‌ها، همسالان، آموزش‌های رسمی در مدرسه، کتاب‌های داستانی و غیرداستانی. در این بین داستان‌ها اهمیت خاصی دارند. زیرا کتاب‌های داستانی از امتیاز آموزش غیر مستقیم بهره‌مند هستند، به همین دلیل تأثیر بیشتری بر کودکان دارند و پیام‌ها و ارزش‌هایی که بدین طریق به کودکان انتقال می‌یابد در آنها درونی‌تر می‌شود. همچنین، منعکس کننده ارزش‌ها، هنجارها و نقش‌های اجتماعی است. بنابراین، در شکل دهی به رشد ذهنی و تفکر کودکان نقشی مهم دارند و کمک می‌کنند تا کودک با دید گسترده‌تری به جهان پیرامون و مسائل آن نگرسته و درک بهتری از آن داشته باشد (کورتنهاوس، دمارست^۱، ۱۹۹۳).

نقش‌های اجتماعی یکی از مسائل مهمی است که کودک طی فرآیند جامعه پذیری می‌آموزد. هر فردی در جامعه عملکردی از خود نشان می‌دهد که نقش اجتماعی او را تشکیل می‌دهد. به بیان دیگر «نقش مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و وظایف است و به رفتار و فعالیت فرد

اطلاق می‌شود، که پایگاه معینی را اشغال کرده است.» (شایان مهر، ۱۳۷۷، ۵۴۵).

کتاب‌های داستانی با ارائه نقش‌های مختلف در قالب داستان‌ها و نسبت دادن هریک از این نقش‌ها به زنان یا مردان، در جامعه پذیری کودکان تأثیری مهم دارند. به همین دلیل نحوه معرفی نقش‌های زنان و مردان در این گونه کتاب‌ها اهمیت بسیاری دارد زیرا کودک بدین طریق با نقش‌های پذیرفته شده برای هر یک از جنسیت‌ها و ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی موجود برای آنها آشنا شده، برای پذیرش و ایفاء چنین نقش‌هایی در آینده آماده می‌شود.

هدف از این پژوهش، بررسی نقش‌های اجتماعی زنان و مردان و مقایسه نمود حضور اجتماعی آنها نسبت به یکدیگر، در داستان‌های واقعی کودکان طی سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۸۴ است. منظور از داستان واقعی «داستانی است که گرچه مخلوق تخیل و ذهن نویسنده است، ولی حوادث آن باورکردنی و تکرارپذیر و شخصیت‌های آن واقعی باشند» (مرتضوی کرونسی، ۱۳۶۴، ص ۱۴۳). همچنین، از آنجا که داستان‌ها یکی از محمل‌های انتقال واقعیت‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی به کودکان است، بررسی این کتاب‌ها کمک می‌کند تا چگونگی بازتاب این مسائل را در آثار کودکان مطالعه کرده و مشکلات و نواقص موجود را رفع کنیم.

پرسش‌های پژوهش

این پژوهش در نظر دارد تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

- در داستان‌های واقعی کودکان، در سال‌های مورد مطالعه، چه نقش‌های اجتماعی به زنان و مردان اختصاص یافته است؟
- آیا میزان تنوع نقش‌های اجتماعی اختصاص داده شده به زنان و مردان یکسان است؟
- آیا بین نقش‌های اختصاص داده شده به زنان و مردان و واقعیت‌های اجتماعی هماهنگی و تجانس وجود دارد؟

هدف پژوهش

هدف این پژوهش، بررسی نقش‌های اجتماعی زنان و مردان و سنجش نمود حضور اجتماعی آنها نسبت به یکدیگر، در داستان‌های واقعی کودکان طی سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۸۴ است.

مروری بر پژوهش‌های انجام شده

مقصودی در سال ۱۳۸۰، پایگاه‌های اجتماعی زنان و مردان را در داستان‌های کودکان ۱۰ الی ۱۲ ساله بررسی کرده است. نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد زنان در این کتاب‌ها اغلب خانه‌دار یا دارای مشاغل هستند که به طور مستقیم به تولید سودی نمی‌رسانند. محل حضور مرد در اغلب داستان‌ها خارج از خانه و محل حضور زنان بیشتر در داخل خانه است. مردان اغلب نقش خود را با سعی و تلاش کسب می‌کنند در حالی که زنان نقش خود را به شیوه انتسابی به دست می‌آورند، در واقع نقش زنان از سوی جامعه به آنها تحمیل می‌شود.

حاجی نصرآ... (۱۳۸۰) کلیشه‌های تبعیض جنسی در ساختار متن و تصویر داستان‌های ترجمه شده کودکان بین سال‌های ۱۳۷۸ الی ۱۳۷۹ را بررسی کرده است. نتایج نشان می‌دهد در اغلب داستان‌ها از شخصیت زنانه‌ای که بیرون از خانه کار کند و اعتبار و مسئولیت‌هایی داشته باشد، نشانی نیست و بیشتر فعالیت‌های حرفه‌ای آنها نیز در حد مشاغل چون آشپز، خدمتکار، منشی مطب و مانند آن است.

وایتزمن و همکاران (۱۹۷۲) نقش‌های اجتماعی زنان و مردان در داستان‌های کودکان طی سالهای ۱۹۳۰ الی ۱۹۷۱ را بررسی کردند. پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که زنان در این کتاب‌ها اغلب در نقش مادر و همسر و در حال بچه داری و انجام دادن کارهای خانه دیده می‌شوند. هیچ‌یک از زنان در این داستان‌ها شغل یا حرفه‌ای ندارند حال آنکه مردان نقش‌ها و مشاغل مختلفی مانند معلمی، کشاورزی، قاضی پلیس و نظایر آن را دارند. علاوه بر این در هیچ کتابی مردان در انجام دادن امور خانه و کمک به زنان دیده نمی‌شوند و در واقع هیچ سهمی در کارهای خانه و نگهداری از فرزندان ندارند.

کورتنهاوس و دمارست (۱۹۹۳) کتاب‌های کودکان را از دیدگاه نقش‌های جنسیتی و نوع فعالیت شخصیت‌های زن در آنها بررسی کردند. نتایج نشان می‌داد که مردان بیشتر در فعالیت‌های تولیدی و نقش‌های تأثیرگذار دیده می‌شوند، در حالی که زنان بیشتر نقش یاری رسان و مراقبت کننده دارند.

گودن و گودن^۱ (۲۰۰۱) کتاب‌های منتشر شده کودکان طی سال‌های ۱۹۹۵ الی ۱۹۹۹ را

1. Gooden & Gooden

مطالعه کردند. نتایج به دست آمده حاکی از آن بود که ۵۱٪ از شخصیت‌های داستان‌ها را زنان تشکیل می‌دهند، اما با وجود این مردان نقش‌های متفاوت‌تر و متنوع‌تری نسبت به زنان داشتند. زنان در این کتاب‌ها بیشتر در نقش مادر، مادر بزرگ، خدمتکار و پرستار و در حال بچه‌داری، خرید، یا انجام دادن کارهای خانه دیده می‌شوند، در حالی که برای مردان نقش‌هایی چون پزشک، سرآشپز و پلیس در نظر گرفته شده است.

براگیلز^۱ و همکاران (۲۰۰۲) نقش‌های جنسیتی موجود در کتاب‌های تصویری منتشر شده در سال ۱۹۹۴ در اروپا را از دیدگاه‌های مختلف بررسی کردند. نتایج نشان می‌داد که در این کتاب‌ها ۳۲٪ از مردان و تنها ۱۵٪ از زنان در حال انجام دادن فعالیت‌های شغلی بودند. زنان اغلب پرستار کودک یا معلم بودند در حالی که شغل‌های مردان تنوع بیشتری داشتند.

همیلتون^۲ و همکاران در سال ۲۰۰۶، وجود تبعیض‌های جنسیتی در ۲۰۰ کتاب پرفروش کودکان را بررسی کردند. براساس نتایج به دست آمده ۵۹٪ زنان در خانه و در حال پرستاری و کمک به دیگران و ۵۷٪ مردان خارج از خانه و در حال انجام دادن فعالیت‌های مختلف دیده می‌شدند. از ۲۳ زن دارای شغل خاص، ۲۱ نفر آنها شغل‌های سنتی مانند دایه، پیشخدمت، پرستار و خیاط داشتند. این مسأله دربارهٔ مردان نیز صدق می‌کرد یعنی از ۳۷ مرد دارای شغل، ۳۳ نفر در شغل‌هایی دیده می‌شدند که به طور سنتی مشاغل مردانه محسوب می‌شوند. در نهایت پژوهشگران نتیجه‌گیری کردند که زنان در کتاب‌های کودکان همچنان تحت الشعاع مردان قرار دارند و در این کتاب‌ها هنوز، شخصیت‌ها و فعالیت‌های مردانه جذاب‌تر به تصویر کشیده می‌شوند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

روش پژوهش و جامعه آماری

در این پژوهش نیز، مضامین مرتبط با پژوهش به متن داستان‌ها یعنی کلمات، جملات، عبارات و پاراگراف‌ها تعلق دارند و هدف از آن، بررسی پیام‌هایی است که کودکان، در خصوص نقش‌های اجتماعی زنان و مردان، از سوی نویسندگان دریافت می‌کنند. لذا، با توجه به موارد ذکر شده، روش تحلیل محتوا برای پژوهش حاضر در نظر گرفته شد.

1. Brugeilles
2. Hamilton

جامعه مورد بررسی این پژوهش، داستان‌های واقعی تألیف شده توسط نویسندگان ایرانی است که طی سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۸۴ برای گروه‌های سنی «الف»، «ب»، «ب» و «ج» منتشر شده‌اند. برای دستیابی به این کتاب‌ها به کتابخانه مرجع کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، کتابخانه تحقیقاتی شورای کتاب کودک و کتابخانه حسینیه ارشاد مراجعه شد و کتاب‌هایی که در این سه کتابخانه در دسترس بودند برای بررسی انتخاب شدند. درباره کتاب‌هایی که تجدید چاپ شده بودند، تنها سال اولین چاپ آنها در نظر گرفته شد. کتاب‌هایی که فاقد تاریخ چاپ بودند و تاریخ چاپ آنها از طریق جستجو در منابع مختلف به دست نیامد، از بررسی حذف شدند. پس از بررسی نهایی، مجموعاً ۱۸۰ عنوان کتاب مطالعه شد. شایان ذکر است کتاب‌هایی که به صورت مجموعه داستان منتشر شده بودند، به عنوان یک کتاب در نظر گرفته شدند.

ابزار گردآوری داده‌ها

در این پژوهش از روش پرسشنامه معکوس استفاده شده است. بدین معنا که مقوله‌های مورد بررسی پیشاپیش تعیین نشده‌اند، بلکه ابتدا واحدهای متن بررسی شدند و پس از استخراج مفاهیم مرتبط با نقش‌های اجتماعی زنان و مردان، تمامی آنها در مقوله‌های مرتبط طبقه‌بندی شدند. این مقوله‌ها از طریق شاخص‌های معنادار متجانس و مربوط به آن مقوله، تعریف و تعیین شده بودند. مفاهیم استخراج شده ذیل پنج مقوله «خانواده»، «کارهای خانه»، «تحصیل»، «مشاغل» و «فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی» طبقه‌بندی شدند.

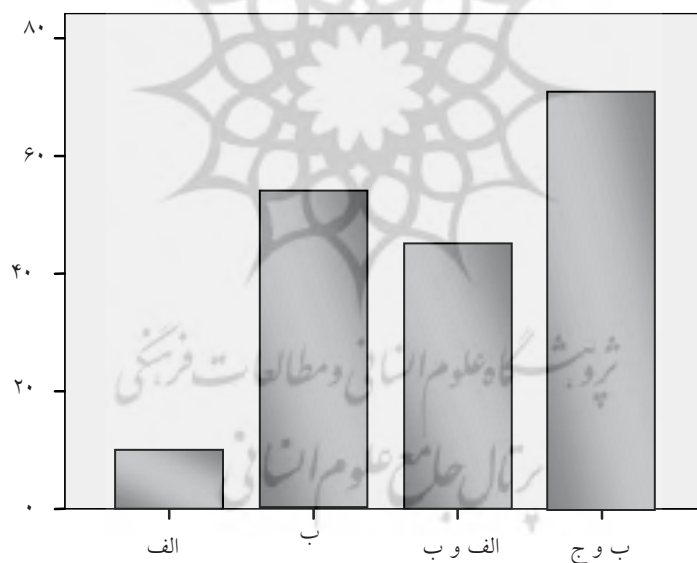
شاخص‌های مورد استفاده در نظام مقوله‌بندی، با مشاوره اساتید و سایر پژوهشگران و نیز مراجعه به پژوهش‌های مشابه به دست آمده است. علاوه بر این برای بررسی پایایی این شاخص‌ها از ضریب قابلیت اعتماد (آلفای کرونباخ)^۱ نیز استفاده شده است. بدین منظور پس از کدگذاری مرحله اول، از بین ۱۸۰ کتاب داستانی، ۱۸ عنوان کتاب (۱۰ درصد کل کتاب‌ها) به طور تصادفی، انتخاب و مقوله‌های آنها توسط دو نفر از دانشجویان رشته کتابداری، کدگذاری و استخراج شد. با توجه به اینکه ضریب آلفای کرونباخ برای شاخص‌های مختلف

1. Cronbach's Alpha

بین ۰/۷۵ تا ۰/۹۳ بوده است. بنابراین، پایایی آنها نیز تأیید شده است. بر مبنای پرسش‌های اساسی مطرح شده در آغاز پژوهش داده‌ها طبقه‌بندی شدند، سپس برای تجزیه و تحلیل آنها از نرم افزار آماری SPSS ویرایش ۱۳ استفاده شد. بدین منظور، داده‌های به دست آمده، در نرم افزار فوق وارد شده و از آزمون مجذور کای^۱ برای تحلیل آماری استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

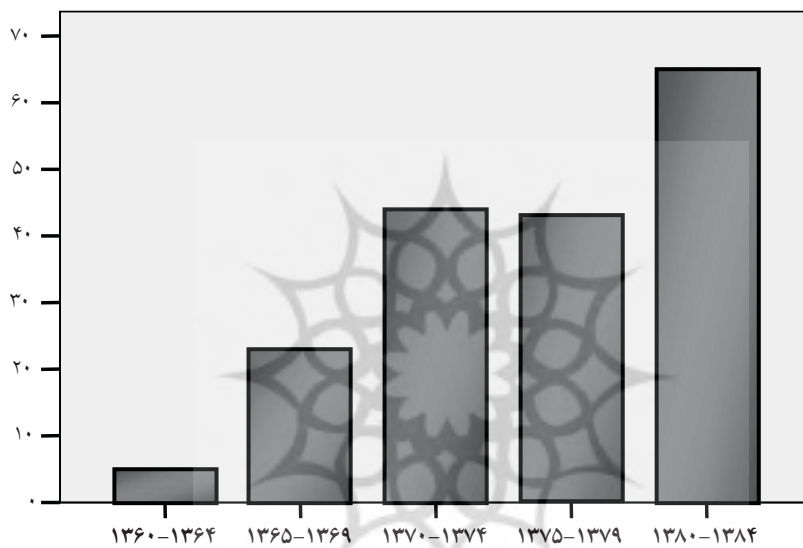
نمودار ۱ فراوانی هریک از گروه‌های سنی مورد بررسی را نشان می‌دهد. همانطور که در این نمودار ملاحظه می‌شود، گروه سنی «ب و ج» با ۷۱ عنوان کتاب، بیشترین فراوانی را داراست و کمترین فراوانی نیز به گروه سنی «الف» با ۱۰ عنوان کتاب مربوط است.



نمودار ۱: تعداد کتاب‌های موجود به تفکیک گروه سنی

1. Chi. Square Test

به دلیل گستردگی دوره زمانی مورد مطالعه و به منظور تسهیل در امر تجزیه و تحلیل داده‌ها، سال نشر کتاب‌ها به پنج گروه ۱۳۶۰-۱۳۶۴، ۱۳۶۵-۱۳۶۹، ۱۳۷۰-۱۳۷۴، ۱۳۷۵-۱۳۷۹، ۱۳۸۰-۱۳۸۴ تقسیم شد. همانطور که در نمودار ۲ مشاهده می‌شود، بیشترین کتاب‌ها بین سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۸۴ و کمترین کتاب‌ها بین سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۴ منتشر شده‌اند.



نمودار ۲: فراوانی کتاب‌ها در دوره‌های زمانی مورد بررسی

پرسش اول: در داستان‌های واقعی کودکان، در سال‌های مورد مطالعه، چه نقش‌های اجتماعی به زنان و مردان اختصاص یافته است؟



جدول ۱: مجموع نقش‌های شناسایی شده

مقوله	خانواده	مشاغل	کارهای خانه	تحصیل	فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی	جمع کل
تعداد	۸۳۵۳	۶۷۳	۲۸۱	۱۳۰	۳۵	۹۴۷۲
درصد	٪۸۸/۱	٪۷/۱	٪۲/۹	٪۱/۳	٪۰/۳	٪۱۰۰

پس از مطالعه کامل ۱۸۰ عنوان کتاب، مجموعاً ۹۴۷۲ نقش مختلف برای شخصیت‌های زن و مرد در کتاب‌ها شناسایی شد. همانطور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، بیشترین نقش‌های موجود در کتاب‌های مطالعه شده، مربوط به مقوله «خانواده» است که ۸۳۵۳ نقش را شامل شده و به عبارت دیگر، ٪۸۸/۱ از کل نقش‌ها را به خود اختصاص داده است. پس از آن مقوله مشاغل قرار دارد. در این مقوله ۶۷۳ نقش شناسایی شده است که ٪۰/۳ از نقش‌های موجود را تشکیل می‌دهد. کمترین نقش‌های موجود نیز در مقوله «فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی» قرار دارد که تعداد ۳۵ نقش یعنی ٪۰/۳ از کل نقش‌های شناسایی شده را در بر می‌گیرد.

جدول ۲: نقش‌های اختصاص داده شده به زنان

مقوله	خانواده	کارهای خانه	مشاغل	تحصیل	فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی	جمع کل
تعداد	۴۸۲۱	۲۲۷	۱۶۷	۹۶	۱۲	۵۳۲۳
درصد	٪۹۰/۵	٪۴/۲	٪۳/۱	٪۱/۸	٪۰/۲	٪۱۰۰

از مجموع ۹۴۷۲ نقش شناسایی شده، تعداد ۵۳۲۳ نقش به زنان اختصاص داشته است. همانطور که در جدول ۲ نشان داده شده، بیشترین نقش اختصاص داده شده به زنان در مقوله «خانواده» قرار گرفته است که ٪۹۰/۵ از کل نقش‌های زنان را در داستان‌ها شامل می‌شود. کمترین نقش‌ها نیز در مقوله «فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی» قرار گرفته است که ٪۰/۲ از نقش‌های زنان را در بر می‌گیرد.

جدول ۳: نقش‌های اختصاص داده شده به مردان

مقوله	خانواده	مشاغل	کارهای خانه	تحصیل	فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی	جمع کل
تعداد	۳۵۳۲	۵۰۶	۵۴	۳۴	۲۳	۴۱۴۹
درصد	٪۸۵/۱	٪۱۲/۱	٪۱/۳	٪۰/۸	٪۰/۵	٪۱۰۰

از مجموع ۹۴۷۲ نقش شناسایی شده، تعداد ۳۵۳۲ نقش به مردان اختصاص داشته است. بیشترین نقش اختصاص داده شده به مردان، مانند زنان، در مقوله «خانواده» قرار گرفته است که براساس داده‌های موجود در جدول ۳، ۸۵/۱٪ از نقش‌های مردان را شامل می‌شود. پس از آن مقوله «مشاغل» قرار دارد که ۱۲/۱٪ از کل نقش‌ها را تشکیل می‌دهد. کمترین نقش‌ها نیز در مقوله «فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی» قرار گرفته که تنها ۰/۵٪ از کل نقش‌ها را به خود اختصاص داده است.

پرسش دوم: آیا میزان تنوع نقش‌های اجتماعی اختصاص داده شده به زنان و مردان یکسان است؟

جدول ۴: میزان حضور زنان و مردان در هریک از مقوله‌های مورد بررسی

مقوله	جنسیت		مرد		زن	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
خانواده	۴۸۲۱	٪۵۷/۷	۳۵۳۲	٪۴۲/۲	۸۳۵۳	٪۱۰۰
مشاغل	۱۶۷	٪۲۴/۸	۵۰۶	٪۷۵/۱	۶۷۳	٪۱۰۰
کارهای خانه	۲۲۷	٪۸۰/۷	۵۴	٪۱۹/۲	۲۸۱	٪۱۰۰
تحصیل	۹۶	٪۷۳/۸	۳۴	٪۲۶/۱	۱۳۰	٪۱۰۰
فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی	۱۲	٪۳۴/۲	۲۳	٪۶۵/۷	۳۵	٪۱۰۰
جمع کل	۵۳۲۳	٪۵۶/۱	۴۱۴۹	٪۴۳/۸	۹۴۷۲	٪۱۰۰

همانطور که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود، بیشترین حضور هر دو جنس در مقوله «خانواده» است. البته، میزان حضور زنان در این مقوله بیشتر از مردان است (٪۵۷/۷) در برابر (٪۴۲/۲). در مقوله «کارهای خانه» میزان حضور زنان (٪۸۰/۷) است در حالی که تنها ۱۹/۲٪



مردان در این مقوله مشاهده شده‌اند. در واقع، زنان ۴ برابر بیش از مردان در حال انجام دادن کارهای خانه تصویر شده‌اند. تفاوت زنان و مردان در مقوله «تحصیل» نیز چشمگیر است. در استان‌های مورد بررسی، ۷۳/۸٪ از زنان به تحصیل اشتغال داشته‌اند، در حالی که این میزان برای مردان ۲۶/۱٪ است. این بدین معناست که زنان ۲/۸ برابر بیش از مردان در این مقوله دیده شده‌اند. در مقوله «مشاغل» نیز، تفاوت آشکاری بین نقش‌های مردان و زنان مشاهده می‌شود، اما این بار مردان بر زنان پیشی گرفته‌اند. به طوری که ملاحظه می‌شود، ۲۴/۸٪ از زنان در این مقوله حضور دارند، در حالی که میزان حضور مردان، ۷۵/۱٪ است. بنابراین، نسبت حضور زنان و مردان در این مقوله ۳:۱ است. در مقوله «فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی» همین مسأله مشاهده‌پذیر است. بنا بر یافته‌های پژوهش، ۳۴/۲٪ از نقش‌های زنان و ۶۵/۷٪ از نقش‌های مردان در این مقوله قرار گرفته‌اند. بنابراین، نسبت حضور مردان و زنان در این مقوله، ۲:۱ است.

با بررسی فراوانی‌های ارائه شده در دو جدول ۲ و ۳ نیز می‌توان به میزان تنوع نقش‌های اختصاص داده شده به زنان و مردان پی برد. بر اساس داده‌های موجود در جدول‌های فوق، ۹۰/۵٪ زنان و ۸۵٪ مردان در مقوله خانواده حضور داشته‌اند که بیشترین نقش‌ها را به خود اختصاص داده است. به بیان دیگر، ۹/۵٪ زنان و ۱۵٪ مردان در سایر مقوله‌های مورد بررسی حضور داشته‌اند. بنابراین، زنان بیش از مردان در مقوله خانواده حضور داشته‌اند و میزان حضور آنها در سایر مقوله‌ها کمتر از مردان بوده است. از سوی دیگر، در بررسی آن دسته از نقش‌هایی که مستلزم حضور مستقیم در اجتماع است، مقایسه آمارهای ارائه شده نشان می‌دهد، به جز مقوله تحصیل که در آن زنان بر مردان پیشی گرفته‌اند، در سایر مقوله‌ها مردان نقش‌های بیشتر و متنوع‌تری داشته‌اند. به عنوان مثال، زنان ۱۶۷ بار و مردان ۵۰۶ بار در مقوله مشاغل حضور داشته‌اند. در مقوله فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی نیز ۱۲ نقش به زنان و ۲۳ نقش به مردان اختصاص یافته است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت تنوع نقش‌های اجتماعی مردان بیش از زنان بوده است.

پرسش سوم: آیا بین نقش‌های اختصاص داده شده به زنان و مردان و واقعیت‌های اجتماعی هماهنگی و تجانس وجود دارد؟
در این پژوهش برای پاسخ به این پرسش، به آمارهای موجود در مرکز آمار ایران مراجعه

و آمارهای مذکور با یافته‌های پژوهش مقایسه شد. براساس آمارهای ارائه شده در سال ۱۳۸۴، در خصوص شاخص‌های نیروی کار در جمعیت ۱۰ ساله، ۲۲/۸٪ مردان در بخش کشاورزی، ۳۰/۹٪ در بخش صنعت و ۴۶/۴٪ در بخش خدمات مشغول به کار بوده‌اند. مقایسه این آمارها با یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد نقش‌های ارائه شده در کتاب‌ها از واقعیت‌های اجتماعی به دور هستند. مردان در داستان‌ها بیشتر در گروه شغلی فرهنگی و آموزشی و پس از آن پیشه‌وری حضور داشته‌اند. صنعت تنها ۵/۹٪ و کشاورزی و خدمات نیز به ترتیب ۶/۷٪ و ۷/۱٪ از شغل‌های مردان را تشکیل می‌دهد. این مسأله درباره زنان نیز صدق می‌کند. بر اساس آمارهای مذکور، از مجموع زنان شاغل، ۳۴/۱٪ در بخش کشاورزی، ۲۸/۴٪ در بخش صنعت و ۳۷/۵٪ در بخش خدمات مشغول به کار بوده‌اند، اما یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد شغل‌های اختصاص داده شده به زنان بیشتر در گروه فرهنگی و آموزشی و پس از آن در کشاورزی بوده است. هیچ زنی در این کتاب‌ها در بخش صنعت یا خدمات شاغل نبوده و تنها به گروه شغلی کشاورزی تا حدی توجه شده است. علت توجه به این گروه شغلی را می‌توان در تعداد جالب توجه زنان فعال در بخش کشاورزی دانست. زنان کشور ما از دیرباز، دوشادوش مردان در کار کشاورزی فعال بوده و در بخش کشاورزی نقشی مؤثر داشته‌اند. شاید به همین سبب است که در داستان‌ها نیز شاهد حضور جالب توجه زنان کشاورز هستیم.

با ملاحظه آمارهای سال ۱۳۸۵ همین مرکز، در خصوص برآورد شاغلان ۱۰ ساله، می‌توان این مسأله را دقیق‌تر بررسی کرد. بر اساس آمارهای فوق، در میان زنان ۱۰۳۷۰۰۰ نفر در گروه متخصصان و تکنسین‌ها، حدود ۶۰۰۰۰۰ نفر در بخش‌های مختلف صنعت، ۲۴۰۰۰۰ نفر به عنوان کارمندان اداری و دفتری، و بیش از ۹۴۰۰۰ زن به عنوان قانونگذار و مقام‌های عالی‌رتبه و مدیران مشغول به کار هستند. با مقایسه این ارقام با یافته‌های پژوهش، مشاهده می‌شود تقریباً هیچ‌کدام از این موارد نمودی در کتاب‌های کودکان ندارند.^۱

۱. آمارهای ارائه شده از سالنامه آماری کشور، از وب سایت مرکز آمار ایران، به آدرس زیر اخذ شده است:
(<http://www.sci.org.ir/portal/faces/public/sci/sci.gozide/sci.YearBook>)

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش‌های بسیاری در خصوص میزان تأثیر نقش‌های موجود در کتاب‌های داستانی بر کودکان انجام شده است. پژوهشگران این حوزه در این نکته اتفاق نظر دارند که کتاب‌های داستانی ارزش‌های اجتماعی را به کودکان منتقل می‌کنند و به همین دلیل برای تشویق آنها به پذیرش استانداردهای رفتاری در جامعه منبعی مهم هستند. به علاوه کتاب‌ها با ارائه مدل‌های شخصیتی نمادین، اثرات جالب توجهی بر جامعه‌پذیری، عزت نفس، ادراک کودکان از خود، و در نتیجه انتخاب‌های موفقیت‌آمیز آنها در آینده دارند. مسأله مهم دیگر این است که پیام‌هایی که کودکان از شخصیت‌های کتاب‌ها دریافت می‌کنند در ایجاد الگوهای نقش زنان و مردان و رفتارهای مرتبط با آن در کودکان کمک مؤثری می‌کند. بدین ترتیب کتاب‌های داستانی می‌تواند کودکان را برای پذیرش نقش‌های مشابه در آینده آماده کند. (وایتزمن و همکاران، ۱۹۷۲؛ مک‌آرتور، ایسن، ۱۹۷۶؛ اسکات^۱ و همکاران، ۱۹۷۹؛ کمبل، ورتنبرگ^۲، ۱۹۸۰؛ مک‌دانلد، ۱۹۸۹؛ پترسون، لچ^۳، ۱۹۹۰؛ همیلتون و همکاران، ۲۰۰۶). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت کتاب‌هایی که کودکان می‌خوانند، در شکل‌گیری شخصیت آنها تأثیری مهم دارند و کودکان، ارزش‌ها و نگرش‌هایی را که در این کتاب‌ها عرضه می‌شوند، به عنوان الگو می‌پذیرند. بنابراین، هنگامی که شخصیت، عزت نفس، و ادراک کودکان از خود، در حال شکل‌گیری است، باید مواد خواندنی مناسب در اختیار آنها قرار گیرد، زیرا آنچه در این سنین می‌خوانند در موفقیت‌های آینده آنها تأثیری چشمگیر خواهد داشت.

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد آنچه کودکان ایرانی در داستان‌های خود می‌خوانند با واقعیت‌های موجود در جامعه ما تفاوت آشکاری دارد. کودکان با مطالعه داستان‌ها می‌آموزند که زنان به طور معمول اغلب در محیط خانه و در حال انجام دادن وظایف مربوط به مادری و خانه‌داری هستند، اما مردان علاوه بر حضور در خانواده، در اجتماع و محیط خارج از خانه نیز حضور فعالی دارند. بدیهی است که نهاد خانواده در فرهنگ ایرانی و اسلامی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد و زنان، به عنوان مادر و همسر، از ارکان اساسی آن به شمار می‌روند، اما

1. Scott
2. Campbell & Wirtenberg
3. Paterson & Lach

توجه به این مسأله نباید تا جایی پیش رود که پیشرفت‌های اجتماعی زنان نادیده گرفته شود. همانطور که گفته شد، داستان‌ها با ارائه الگوهای نقش تأثیر جالب توجهی در یادگیری نقش‌های اجتماعی مختلف و شکل‌گیری تفکر اجتماعی در کودکان دارند. بنابراین، نشان دادن حضور همزمان زنان در خانواده و اجتماع سبب می‌شود کودکان تصویر صحیحی از نقش‌ها و وظایف زنان در جامعه داشته باشند.

در مقوله کارهای خانه نیز شاهد حضور پررنگ زنان هستیم، در حالی که حضور مردان در این مقوله، به ویژه درباره نگهداری و مراقبت از فرزندان و انجام دادن امور خانه، کم‌رنگ‌تر است. کتاب‌هایی که کودکان می‌خوانند باید این نگرش را در کودکان ایجاد و تقویت کند که پدران نیز مانند مادران در انجام دادن کارهای خانه و تربیت و رسیدگی به فرزندان مسئول هستند و باید بخشی از این وظایف را برعهده گیرند و این بخشی از نقش اجتماعی آنها به عنوان پدر خانواده است. بدین ترتیب کودکان از طریق مطالعه این کتاب‌ها، با تقسیم نقش‌ها و وظایف در محیط خانواده، به عنوان یک اجتماع کوچک، آشنا شده و برای حضور در اجتماع بزرگتر آماده می‌شوند.

به طور کلی، هر جا بحث حضور در اجتماع مطرح است، نقش‌های زنان در مقایسه با مردان تنوع کمتری دارد. این مسأله را در زمینه مشاغل، به وضوح می‌توان مشاهده کرد. مشاغل ارائه شده برای زنان، بیشتر به مشاغلی چون معلم، پرستار، یا مربی مهد منحصر است. به عنوان مثال در هیچ‌یک از کتاب‌ها پزشک یا مهندس زن دیده نمی‌شود، در حالی که امروزه تعداد زنانی که در این‌گونه شغل‌ها حضور دارند در حال افزایش است. به علاوه، زنان در گروه‌های شغلی صنعت، نظامی و انتظامی، و خدمات، هیچ نقشی نداشته‌اند که با واقعیت‌های موجود در اجتماع کاملاً ناهمگون است. اگر چه نقش‌های شغلی ارائه شده برای مردان نیز، در مقایسه با مشاغل موجود در اجتماع، بسیار محدود بود، اما با وجود این نسبت به زنان، مشاغل متنوع‌تری داشتند و این سبب می‌شود پسران نسبت به دختران دامنه وسیع‌تری از انتخاب‌های شغلی را در برابر خود می‌بینند.

در مقوله فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی نیز این تفاوت آشکار مشاهده‌پذیر است. بیشترین حضور زنان در حوزه کمک به فقر است و عملاً نقش فعال زنان در جریان انقلاب اسلامی و فعالیت‌های آنها طی هشت سال جنگ ایران و عراق، کاملاً نادیده گرفته شده است؛ در حالی



که همه از اهمیت حضور زنان در این مقوله‌ها آگاه هستند. همانطور که گفته شد، یکی از کارکردهای مهم کتاب‌های داستانی انتقال ارزش‌های اجتماعی به کودکان و آماده‌سازی آنها برای پذیرش نقش‌های اجتماعی در آینده است. اگرچه معلمی و پرستاری در فرهنگ و آیین ما ارزش‌های بسیار والای دارد، اما نادیده انگاشتن بخش عمده‌ای از نقش‌های اجتماعی زنان و مردان در کتاب‌های داستانی، سبب می‌شود ارزش‌های موجود به درستی به کودک انتقال نیابد و کودک آمادگی پذیرش بسیاری از نقش‌های آینده را در جامعه دائماً در حال تغییر، نخواهد داشت.

نتیجه پژوهش‌های عنوان شده در بخش پیشینه نیز، نشان می‌دهد نقش‌های زنان در داستان‌های کودکان اغلب در حوزه نقش‌های خانوادگی است و نویسندگان این داستان‌ها زنان را معمولاً در حال انجام دادن فعالیت‌های مربوط به خانه‌داری تصویر کرده‌اند. در حالی که نقش‌های مردان متنوع‌تر و گسترده‌تر است. بدین ترتیب، یافته‌های پژوهش حاضر، نتایج کلیه این پژوهش‌ها را در خصوص نوع و میزان تنوع نقش‌های زنان و مردان تأیید می‌کند.

نکته آخر آنکه داستان‌های واقعی، باید بازتاب واقعیت‌های زندگی، مسائل و مشکلاتی باشند که کودکان به صورت بالقوه ممکن است با آنها مواجه شوند. یکی از این مشکلات در جامعه امروزی حضور نداشتن بسیاری از مادران در خانه، به دلیل مسئولیت‌های شغلی و مسائل ناشی از آن است. کودکان در چنین خانواده‌هایی ممکن است بخش مهمی از اوقات خود را با پدر بزرگ و مادر بزرگ سپری کنند، به مهد بروند، یا در نبود مادر مسئولیت‌هایی در خانه برعهده گیرند. در حالی که در داستان‌های موجود، به ندرت با این گونه موارد مواجه می‌شویم. چنین داستان‌هایی دید کودکان را نسبت به واقعیت محدود کرده و دانش آنها را درباره پیچیدگی‌های جهان بیرون تضعیف می‌کند. بدین ترتیب کودک ویرایش ایده‌آلی از حقیقت دریافت می‌کند، بدون آنکه برای پرسش‌های خود پاسخ صحیحی دریافت کند و برای چالش‌های زندگی آماده شود.

داستان‌ها مشوق و انگیزه‌ای برای فعالیت‌های پیشرفتی و از عوامل مهم رشد عزت نفس در کودکان هستند. به علاوه می‌توانند با ارائه نقش‌های نمادین کودکان را برای برعهده گرفتن نقش‌های مشابه در بزرگسالی آماده کنند و ظرفیت‌ها و توانمندی‌های حقیقی کودکان را به آنها بشناسانند. بنابراین، نویسندگان داستان‌ها باید از این توان بالقوه برای رفع نیازهای شناختی

کودکان و کمک به انتقال ارزش‌های حقیقی به آنها استفاده کنند. بدین ترتیب کودکان در بزرگسالی می‌توانند از حداکثر توانمندی‌های خود برای رسیدن به موفقیت و شکل‌گیری جامعه‌ای مترقی استفاده کنند.





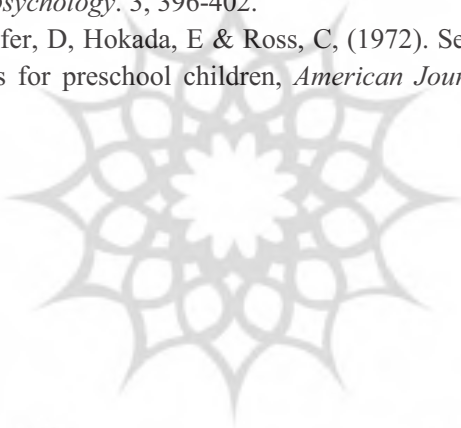
منابع

- یونیسف، (بی تا). *بیمان نامه جهانی حقوق کودک* ([بی تا]). تهران، یونیسف.
- حاجی نصرالله، شکوه، (۱۳۸۰). شناسایی کلیشه‌های تبعیض جنسی در کتاب‌های داستان ترجمه (واقعی و فانتزی) سال ۷۹-۱۳۷۸، *کتاب ماه کودک و نوجوان*، آبان ۱۳۸۰، ۷۳-۷۸.
- شایان مهر، علیرضا، (۱۳۷۷). *دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی*، تهران، مؤسسه کیهان.
- مرتضوی کرون، علیرضا، (۱۳۶۴). *ضوابط و اصول نقد کتاب‌های کودکان و نوجوانان*، تهران، کانون فرهنگ و هنر اسلامی.
- مطیع، ناهید، (۱۳۷۴). *جامعه پذیری جنسی مانعی برای توسعه*، در مجموعه مقالات نقش زن در توسعه فرهنگی، همدان، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مقصودی، سوده، (۱۳۸۰). *مقایسه نقش‌ها و پایگاه‌های اجتماعی زن و مرد در کتاب‌های داستانی کودکان در سال‌های ۶۹ تا ۷۸*، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

- Brugilles, C, Cromer, I, Cromer, S, Andreyev, Z, (2002). Male and female characters in illustrated children's books or how children's literature contributes to the construction of gender, *Population (English edition)*, 2, 237- 267.
- Bussey, K & A. Bandura, (1984). Influence of gender constancy and social power on sex- linked modeling, *Journal of personality and social psychology*, 47, 1292- 1302.
- Campbell, P.B & J.Wirtenberg, (1980). How books influence children: what the research shows, *IRBC bulletin*, 11, 3-6.
- Gooden, A. M & M. A. Gooden, (2001). Gender representation in notable children's picture books: 1995- 1999, *Sex roles: a journal of research*, 1/2, 89- 101.
- Hamilton, M, D, Anderson, M, Broaddus & K. Young, (2006). Gender stereotyping and under- representation of female character in 200 popular children's picture books: a twenty- first century update, *Sex roles*, 55, 757- 765.



- Kortenhaus, C. M & J. Demarset, (1993). Gender role stereotyping in children's literature: an update, *Sex roles: a journal of research*, 3/4, 219- 232.
- McArthur, L.Z & S.V. Eisen, (1979). Achievements of male and female storybook characters as determinants of achievement behavior by boys and girls, *Journal of Personality and Social Psychology*, 33(4), 467- 473.
- McDonald, S, (1989). Sex bias in representation of male and female characters in children's picture books, *Journal of genetic psychology*, 4, 380-401.
- Paterson, S.B & M.A. Lach, (1990). Gender stereotyping in children's books: their prevalence and influence on cognitive and affective development, 2, 185- 198.
- Scott, K.P & S.Feldman-Summers, (1979). Children's reactions to textbook stories in which females are portrayed in traditionally male roles, *Journal of educational psychology*. 3, 396-402.
- Weitzman, L, Eilfer, D, Hokada, E & Ross, C, (1972). Sex role socialization in picture books for preschool children, *American Journal of Sociology*, 77, 148- 156.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی